

## واکنش حساب توثبتری با بگاه اطلاع‌رسانی رهبری به انتخابات امریکا

حساب توثبتری پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب به انتخابات امریکا واکنش نشان داد. به گزارش «ایران» در این حساب توثبتری آمده است: «اوضاع در ایالات متحده و آنچه آنها خود در مورد انتخابات خود می‌گویند یک نمایش است؛ این نمونه‌ای از چهره زشت لیبرال دموکراسی در ایالات متحده است؛ صرف نظر از نتیجه، یک چیز کاملاً واضح است، سقوط قطعی سیاسی، مدنی و اخلاقی رژیم ایالات متحده است.»

روحانی با اشاره به شکست فشار حد اکثری علیه ایران:

### دولت آینده امریکا اشتباهات گذشته را جبران کند

رئیس جمهوری با اشاره به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری امریکا، گفت: سیاست پراسیپ و نادرست دولت امریکا در سه سال اخیر، نه تنها توسط مردم سراسر جهان تقبیح شد، بلکه در انتخابات اخیر از سوی مردم این کشور نیز با مخالفت روبرو شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری، حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت اظهار داشت: اینک فرصتی برای دولت آینده امریکا پیش آمده است که اشتباهات گذشته را جبران کند و با احترام به قواعد جهانی، به مسیر پایبندی به تعهدات بین‌المللی بازگردد. رئیس جمهوری افزود: جمهوری اسلامی ایران، همواره به تعهدات خود در صورت رعایت مسئولانه از سوی همه اطراف تعهد، پایبند بوده و تعامل سازنده با جهان را راهبرد خود می‌داند. روحانی با تأکید بر پیروزی مقاومت ملت ایران در جنگ اقتصادی تجمیل شد توسط دولت امریکا، اظهار داشت: مردم ایران با مقاومت قهرمانانه خود در برابر جنگ تحمیلی اقتصادی، اثبات کردند که سیاست فشار حداکثری امریکا محکوم به شکست است. وی تصریح کرد: اینک زمان آن است که در سایه همکاری و هم‌افزایی ایران و همسایگان، شاهد ارتقای امنیت و توسعه در منطقه باشیم و مسیر ثبات و رشد اقتصادی کشور، با قوت و سرعت هرچه بیشتر، پیموده شود. روحانی با اشاره به برنامه‌های اقتصادی دولت تأکید کرد: در شرایط رو به بهبود اقتصادی دولت با اتخاذ سیاست‌های متناسب مالی و کنترل و هدایت نقدینگی به سمت تولید و توسعه سرمایه‌گذاری، تقویت ارزش پول ملی و کمک به تولید ملی و رشد اقتصادی کشور را با قوت دنبال می‌کند. رئیس جمهوری همچنین در این جلسه وزیر اقتصاد را مکلف کرد در راستای ارتقای انضباط مالی و بودجه‌ای، فروش سهام و دارایی‌های مازاد دولتی و انتشار اوراق بدهی دولت را طبق برنامه مصوب ادامه دهد.

#### این ما و این فرجام شوم مثلث «ب»

انتخاب جو بایدن نامزد دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری امریکا یک وجه کارزار امریکایی برای جابه‌جایی قدرت است و وجه دیگر آن که برای ایرانی‌ها شاید بیشتر مورد توجه بوده، رفتن دونالد ترامپ بانی سیاست فشار حداکثری از کاخ سفید است. از جنگ اقتصادی بی‌سابقه‌ای را علیه کشورمان به راه انداختن تا جایی که دامنه تحریم‌ها را به دارو و اقلام بشر دوستانه هم رساند آن‌هم در شرایطی که جامعه ایران هم همانند بسیاری از دیگر کشورها درگیر مقابله با ویروس همه گیر کرونا بود. بااین حال این جنگ به راه افتاده، تنها در حوزه اقتصادی محدود نماند و عملیات روانی و تبلیغات سوء، علیه ایران با هدف تغییر نظام را نیز به همراه داشت و برخی رؤیای «تابستان داغ» را برای ایران در سر پروراندند. دونالد ترامپ که رهبری جبهه دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران را عهده‌دار شد، اپوزیسیون خارج نشین از یک سو و برخی رقبای منطقه‌ای هم از سوی دیگر فرصت را مغتنم دانستند تا از هرگونه تلاشی برای کامیابی ترامپ در تحقق برنامه هایش علیه ایران دریغ نکنند. برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی که تلاش هایشان برای ناکام گذاشتن اطمینان هسته‌ای را به جایی نبرده بود، حالا با میدان‌داری ترامپ اعتماد به نفس دوباره‌ای پیدا کرده بودند.

چندی پیش محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان این بدخواهان نظام و ملت ایران را که در حکم اهرم‌های فشار به ترامپ بودند با عنوان «مثلث ب» شامل جان بولتون مشاور وقت امنیت ملی امریکا، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی یاد کرد. اگر چه یکی از اضرلاع این مثلث یعنی بولتون خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد به این واقعیت رسید که رؤیای تابستان داغ برای ایران سرابی بیش نبوده و از قطار تندروهای امریکایی کنار گذاشته شد، اما دو ضلع دیگر برای توقیف در برنامه‌های ضد ایرانی دونالد ترامپ و پیروزی مجدد او در انتخابات ریاست جمهوری سنگ تمام گذاشتند. آنها در نهایت نقش برگ برنده ترامپ را هم بازی کردند و در اوج تبلیغات انتخابات طرح عادی‌سازی روابط را نیز روی دایره ریختند به این امید که پای دموکرات‌ها به کاخ سفید باز نشود و در حقیقت موی دماغ آنها برای رویاربردازی هایشان نشود. حالا به نظر می‌رسد پیروزی بایدن همچون آب سردی است که بر سر عربستان و رژیم صهیونیستی ریخته شده است. آنچه رسانه‌ها در تحلیل‌های خود از مواجهه کشورهای مختلف با انتخابات امریکا روایت می‌کنند، یک سرفصل یا محور مشترک دارد: نگرانی تل اوویو ریاض اگر چه هنوز به صورت روشن مشخص نیست بایدن چه رویکرد‌ها و سیاست‌های را در قبال منطقه خاورمیانه اتخاذ کند اما آنچه قابل پیش‌بینی است اینکه میدان فراع ترکان از این دو ضلع مثلث شوم ضد ایرانی محدود و محدودتر خواهد شد. چنانکه مقاماتی از هر دو کشور نسبت به بازگشت بایدن به برجام با هر کیفیتی اظهار نگرانی کرده‌اند. به نظر نمی‌رسد جو بایدن و دموکرات‌ها نسبت به تکرار اتفاقی همچون قتل جمال خاشقجي روزنامه نگار منتقد عربستانی همان سیاست لاپوشانی ترامپ را در پیش بگیرند. روزنامه «جروزالم پست» گزارش داده که هیزاسل معترض به سیاست‌های بنیامین نتانیاهو در مرکز قدس پیروزی بایدن در انتخابات را جشن گرفتند و تأکید کردند که «امریکائوانست از دست ترامپ خلاص شود و اکنون نوبت اسرائیل است که همین کار را با نتانیاهو بکند.» حالا در پایان کارزار امریکا و آنچه مرتبط با ایران است آنکه یک طرف خوش رقصی‌ها و خدمات بین سلمان و نتانیاهو به کمپین فشار حداکثری ترامپ علیه ایران بود و یک طرف مقاومت مردم کشورمان و دیپلماسی هوشمندانه تهران. ما ایرانی‌ها امروز فارغ از آنکه جو بایدن چه سیاستی را در قبال ایران پیش بگیرد، به مقاومت خود می‌بالیم و همچون بسیاری از مردم جهان خرسند هستیم از رفتن ترامپ و در نقطه مقابل بدخواهان ایران و ایرانی‌ها هستند که همه رشته‌های خود را پنبه می‌بینند و در سوگ آن همه هزینه‌های بیپوده‌ای هستند که خرج دشمنی با مردم ایران کردند.

- دوشنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۴۸۶

#### واکنش مقامات و سیاسییون به نتیجه انتخابات امریکا

## آمدن بایدن مهم است یا رفتن ترامپ

**گروه‌سیاسی/** حتی واقعیتی چون یک

دوره‌ای شدن ریاست جمهوری دونالد ترامپ که آمر شهادت سردار شهید سلیمانی وعامل ایجاد فشارهای اقتصادی شدید به ملت ایران است هم باعث یکپارچگی داخلی نشد. شدت قطبی شدن سیاست در ایران را از اینجا می‌توان فهمید که بسیاری نتایج انتخابات اخیر امریکا را از دریچه چشم‌انداز سیاسی و رقابت‌های داخلی ارزیابی کردند، بدون اشاره به این واقعیت که در نهایت ایستادگی مردانه ملت ایران ماندگار شد و عامل فشارهای ناجوانمردانه به ملت ایران از کاخ سفید رفت. این جمله آخر، تعبیری بود که حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس جمهوری درباره انتخابات امریکا مطرح کرد. او در «توثبتر» نوشت: «ایرانیان مردانه ایستادند تا آن نامرد هم رفتنی شد.» یک مصداق این نامردی، نه تحریم‌های جدید، بلکه خروج یکجانبه از توافق برجام است که همه دنیا به وفای به عهد ایران اذعان داشتند. آنچه در ادامه می‌خوانید، واکنش مقام‌ها و شخصیت‌های سیاسی ایران نسبت به نتایج انتخابات اخیر امریکا است.

#### پایان دوران ماجراجویی و قلدری

چهره‌هایی همچون اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری و محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، انتخاب نشدن دوباره ترامپ را به معنای پایان دوران ماجراجویی، جنگ‌طلبی و قلدری کرده‌اند. جهانگیری در «توثبتر» نوشت: «سرانجام با اعلام نتیجه انتخابات امریکا، دوران ترامپ و تیم ماجراجو و جنگ طلب او به پایان رسید. نقض معاهده‌های بین‌المللی از محیط زیست تا تحریم‌های اقتصادی و ضد انسانی علیه ملت ایران و حمایت از تروریسم و نژادپرستی، شاکله سیاست‌های ترامپ بود. او اضافه کرد: «ملت ایران که با مقاومت در مقابل سیاست فشار حداکثری ترامپ ایستاد، رنج‌های ناشی از اخلال گسترده در معیشت خود، عدم دسترسی بیماران به دارو و ترور سردار سلیمانی عزیز را فراموش نخواهد کرد.» جهانگیری ابراز امیدواری کرد که شاهد تغییر سیاست‌های مخرب امریکا و بازگشت به قانون و تعهدات بین‌المللی و احترام به ملت‌ها باشیم. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان نیز که در کشور پولیو، واقع در امریکا لاتین به سری می‌برد، نوشت: «مردم امریکا حرف خود را بیان کردند. جهان هم اکنون نظاره‌گر است که آیا رهبران جدید (امریکا) قلدری فاجعه‌بار و بی‌قانون رژیم در حال خروج (ترامپ) را رها می‌کنند و چندجانبه‌گرایی، همکاری و احترام به قانون را می‌پذیرند یا خیر؛ کردار مهم‌ترین چیز است.»

علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی هم با اشاره به اینکه «پایان ترامپ شکست نیست، حکم مقدر نمی‌باشد» اظهار کرد: «بیشتر مردم امریکا بر کارنامه سراسر ناکامی تفکری که قلدری و زورگویی را احلال مشکلات می‌دانست، مهر مردودی زدند. آیا دولت منتخب این درک را دارد که زیر قاب کس او در کاخ سفید به جای عبارت چهل و پنج‌مین رئیس جمهور، بنودس عبرت آیندگان؟» محمود واعظی رئیس دفتر رئیس جمهوری هم نوشت: «شکست ترامپ واستقبال مردم امریکا و اکثر کشورهای جهان از این اتفاق، به این معناست که دوران یکجانبه‌گرایی، تندروی، تنش‌زایی، زیر پا گذاشتن تعهدات و تجاوز به حقوق ملت‌ها به سر آمده است.» او اضافه کرد: «چهار سال سیاست خارجی زیان‌بار دولت ترامپ می‌تواند درس عبرتی باشد که سکانداران جدید کاخ سفید از این فرصت برای تغییر مسیر و اصلاح سیاست‌های غلط امریکا استفاده کرده و با شرایط جدید نظام بین‌الملل همراه شوند.»

#### سخنگوی وزارت خارجه: بایدن باید جبران‌مافات کند

شمخانی «عبرت آیندگان» خواند، شکست سیاست فشار حداکثری امریکا علیه ملت ایران است، شکستی که از دل مقاومت ملت ایران برآمد و در نهایت، عامل این فشار از کاخ سفید رفت. بر همین اساس، سعید خلیلی زاده سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان سیاست جمهوری اسلامی ایران نسبت به دولت جدید امریکا را اینطور بیان کرد: اساساً ایالات متحده امریکا در موضوعی نیست که برای کسی شرط بگذارد، ایالات متحده امریکا ناقض برجام، ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بوده و میلیاردها دلار به ملت ایران

ترامپ متفاوت است، این دلیل نمی‌شود که بگویند اصلاح‌طلبان خواهان مذاکره هستند.» او با بیان اینکه ترامپ با بایدن در شرایطی که مناسب باشد خودشان خواهان مذاکره با ایران هستند، افزود: «این‌گونه نیست که بگوییم اصلاً مذاکره نمی‌کنیم، اگر رئیس جمهور آینده امریکا به برجام بازگردد، در قالب برجام می‌توان با او مذاکره کرد، اما این به موضع ایران بستگی

#### بایدن، ایران و برجام

در سال‌های گذشته توافق هسته‌ای مهمترین موضوع مطرح بین ایران و امریکا بوده است. دونالد ترامپ پس از خروج از برجام سیاست فشار حداکثری علیه کشورمان را دنبال کرد و گفته بود که در صورت پیروزی این سیاست را تا نشاندن ایران به میز مذاکره ادامه خواهد داد. جو بایدن رئیس جمهوری منتخب امریکا اما از جمله مخالفان سیاست ترامپ در خروج از برجام بوده است. او پیش از این و در جریان رقابت‌های انتخاباتی گفته بود که در صورت پیروزی در انتخابات، امریکا را به برجام بازخواهد گرداند. آن جمله او در یک نشست انتخاباتی در دانشگاه شهری نیویورک با اشاره به اینکه برجام



باعث شد نظارت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران افزایش یابد، گفت: «ترامپ توافق هسته‌ای را کنار گذاشت و با این کارش باعث شد ایران برنامه هسته‌ای خود را دوباره توسعه دهد. اگر تهران تعهدات هسته‌ای خود را از سر بگیرد، من به برجام بازخواهم گشت.» بایدن البته این ادعا را هم مطرح کرد: «من تلاش می‌کنم تا با همکاری متحدان مان ضمن تقویت و بسط برجام، با فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران در منطقه مقابله کنیم.» بایدن پیش از این نیز تصمیم ترامپ برای خروج از برجام را فاجعه‌بار خوانده و گفته بود: «ترامپ وعده داد که خروج از این توافق به نوعی به یک توافق بهتر منجر می‌شود. اما در عوض، آنچه که قابل پیش‌بینی بود، رخ داد: ایران در حال تقویت قابلیت هسته‌ای خود است. طنز تلخی است که وزارت خارجه امریکا اینک از ایران می‌خواهد به همان توافقی که دولت ترامپ خراج شده است، پایبند باشد.» کاملاً هریس معاون اول او هم در مناظره با مایک پنس معاون اول دونالد ترامپ با انتقاد از خروج امریکا از برجام گفت: «او از توافقی‌ها خارج شده است. به توافق هسته‌ای ایران نگاه کنید که ما را در موقعیتی قرار داده که کمتر ایمن هستیم چون آنها

را متوقف کند و ثلثاً مسیر رفتن را برگردد و تعهداتش را عمل و برای گام چهارم جبران خسارت کند. جهان خلیلی زاده سخنگوی ایران اسلامی در برابر زیاده‌خواهی و زورگویی‌های ترامپ را می‌توان یکی از علل شکست او در انتخابات دانست.»

■ **اصلاح‌طلبان: پیروزی بایدن و شکست ترامپ مهم است**

برخلاف طیف‌هایی از اصولگرایان که معتقدند چیزی عوض نشده است، اصلاح‌طلبان می‌گویند که تفاوت میان ترامپ و بایدن ملموس است. این چیزی است که از اظهارنظرهای آنان می‌توان فهمید. مانند حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی باهنر، عضو مجمع روحانیون مبارز که نوشت: «خبر مهم دنیا نیامدن ترامپ است، نه آمدن بایدن. برای ایران که قربانی فشار حداکثری او بود مهم‌تر است، بایدن برای ایران منجی نیست. ولی فرصت هست. از فرصت‌ها باید استفاده کرد، اگر چه نباید به آن دل بست.»

علی مطهری نماینده سابق مردم تهران هم نوشت: «مقاومت سه ساله ملت ایران در مقابل فشار حداکثری یکی از عوامل شکست ترامپ بوده است. جالب است که ضد انقلاب خارج‌نشین با آرزوی براندازی و انقلابیون داخلی از ترس احیای برجام، خواهان پیروزی ترامپ بودند.» سیدمطفی هاشمی طب، از فعالان سیاسی نیز با بیان اینکه برخی تندروها از جانب اصلاح‌طلبان حرف‌های خف و عجبی را بیان می‌کنند، به «برنا» گفت: «اصلاح‌طلبان وضعیت کشور را روی کاغذ خوب می‌بینند، اما این به معنای شکست نیست، بلکه بهره سیاسی این مشارکت و مصون از تحریم مردم کمک خواهد کرد، نه تنها به رفق مؤثر موانع تجاری و مالی و اقتصادی سرعت خواهد بخشید، نه تنها سایه شک و سگین جنگ روانی علیه مردم و بازار و محیط کسب‌وکار را شک خواهد کرد، نه تنها در فرآیند پایه‌گذاری یک اقتصاد مقاومتی و مصون از تحریم دولت و دستگاه سیاست خارجه نصیب خود آنها نیز خواهد شد! افکار عمومی هم قطعاً از چنین رویکرد «ملی» و مسئولانه‌ای در بزنگاه‌های لازم استقبال خواهد کرد.

http://irannewspaper.ir  
editorial@irannewspaper.ir

ایران

در امریکا یک «انتقال قدرت» صورت گرفته است و همراه با این انتقال قدرت نیز – مانند انتقال قدرت در هر کشور دیگری – لاجرم فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی پدید آمده است. با علم به این واقعیت – و با علم به اینکه سیاست خارجه امریکا «جهت‌پذیر» و تا حدود زیادی «قابل هدایت» است – بسیاری از دولت‌های جهان و رژیم‌های منطقه با هزینه میلیاردها دلار در پایتخت ایالات متحده لابی‌ها و بنگاه‌هایی تأسیس کرده‌اند تا بتوانند در چنین بزنگاه‌هایی بر روند تصمیم‌سازی و سیاستگذاری در این کشور تأثیر بگذارند.

به همین خاطر هم از فردای پیروزی آقای بایدن، جریان‌های مختلف – از جمله جریان‌های ایران‌ستیز وابسته به رژیم‌های متخاصم منطقه – بشدت لابی‌ها و بنگاه‌های نزدیک به خود را فعال خواهند کرد تا به رویکرد و سیاست دولت بایدن نسبت به ایران، نسبت به موضوع بازگشت به برجام و نسبت به مقوله لغو تحریم‌ها آن طور که می‌خواهند شکل و جهت ببخشند.

در این میان، یک جریان – از جنس سازمان FDD و UANI – تلاش خواهد کرد هزینه سیاسی و حیثیتی تعامل با ایران و بازگشت بایدن به برجام را از هم‌اکنون چنان برای او سنگین کند که رئیس جمهوری جدید امریکا از هرگونه تعامل با تهران به کل منصرف شود؛ جریان دیگری تلاش خواهد کرد او را متقاعد سازد تا از «دستاوردهای» سیاست «فشار حداکثری» این طریق امتیازهای سنگینی از ایران اخاذی کند؛ سایر گرایش‌ها و جریان‌های – به یک از ظن خود – فرمول‌ها و سیاست‌هایی را به دولت جدید امریکا پیشنهاد و ارائه خواهند کرد تا آن‌طور که صلاح می‌دانند مسیر تعامل با ایران را ریل‌گذاری کنند. در این راستا، از فردای پیروزی بایدن هریک از این جریان‌ها از نزدیک تمام موضع‌گیری‌ها، واکنش‌ها و اقدامات مقامات کشوری / لشکری و نهادهای ایران را زیر ذره‌بین قرار خواهند داد تا هر حرکت ایران برای فضاسازی، مانع‌تراشی در روند تنش‌زدایی و پیشبرد برنامه‌های خود بهره‌برداری کنند.

در نتیجه، از فردای پیروزی بایدن بازیگران عرصه سیاست و مقامات تهران – از هر گروه و جناح – نیز باید نزد خود و نزد یکدیگر به چند پرسش پاسخ دهند.

۱) پرسش اول این است که آیا ایران اصولاً قصد دارد منفعلانه صرفاً «موضوع» صحنه آرای، ریل‌گذاری، لابی‌گری و سیاستگذاری‌های دیگران باشد یا اینکه می‌خواهد فعالانه در فرآیند تعامل با دولت جدید در واشنگتن خود «عاملیت» به خرج دهد و نقش اصلی را ایفا نماید؟ اگر قصد دارد صرفاً سوز و «دریافت‌کننده» محصول رایزنی‌ها و ریل‌گذاری‌ها و تلاش‌های لابی‌های دیگران باشد و دامنه عملکردش صرفاً به اتخاذ مواضع «واکنشی» محدود گردد که تکلیف روشن است؛ در این صورت، اتخاذ مواضع تند، شعاری، جناحی، ناسازگار با نظر کارشناسی دستگاه دیپلماسی و بیگانه با فرآیندهای پیچیده سیاستگذاری در واشنگتن فعالیت خواهد کرد؛ در این سناریو، جریان‌های ایران‌ستیز و لابی‌های حامی تحریم در واشنگتن در نهایت به نگرش، سیاست و چه بسا حتی – با اعمال نفوذ در مجلس سنا – به ترکیب تیم مسئول امور ایران در وزارت خارجه دولت بایدن شکل خواهند داد و ایران در سال‌های آینده ناگزیر در زمین آنها بازی خواهد کرد. اما اگر ایران قصد دارد – با منزلت و شایستگی که «قدرت بزرگ» – در ترسیم نقشه راه و جهت‌دهی به سیاست‌های دولت بایدن «عاملیت» داشته و نقش محوری و اصلی را ایفا کند، پرسش اینجاست که چه لحن و گفت‌وگو و رویکردی را باید از ابتدائیت به روی کار آمدن دولت جدید اتخاذ نماید؟ به عبارت دیگر، باید به این پرسش پاسخ دهد که کدام رویکرد، لحن، موضوع و ابتکار عمل دیپلماتیکی از جانب تهران می‌تواند از یک سو دسیسه‌ها و برنامه‌های لابی‌های متخاصم در واشنگتن خنثی و از سوی دیگر موقعیت مذاکراتی احتمالی ایران را تقویت نماید؟ چرا ابتکاری به خرج دهیم که جریان‌های ایران‌ستیز در درون حکومت امریکا را منزوی و لابی‌های متخاصم را غافلگیر کند؟ به‌عنوان یک قدرت مؤثر و طرف طلبکار و حق به‌جانب در ماجرای برجام، چه نقشه راه و چه پیشنهادی روی میز قرار دهیم تا جامعه جهانی را همسو، توجیه‌نیروهای معتدل را جلب و محصول میلیاردها دلار هزینه لابی‌های متخاصم را نقش بر آب کند؟ چگونه موانع روانی‌ای را که جریان ایران‌ستیز بر سر راه لغو تحریم‌ها و اجرای برجام قرار می‌دهد برچینیم و راه را برای جریان معتدل در درون دستگاه سیاست خارجه دولت بایدن هموار سازیم؟

۲) پرسش دومی که لازم است سیاستمداران، جناح‌ها و نهادهای کشور، همزمان با آن پاسخ دهند این است که اصولاً موضوع «لغو تحریم‌ها» را به مثابه یک «پروژه ملی» می‌بیند که باید در هر شرایط در حل و فصل آن با دولت کونی «شریک» و یار باشند یا اینکه لغو تحریم‌ها را یک «دستاورد جناحی» تلقی می‌کنند که باید به هر قیمتی شده صرفاً به‌نام خود به ثبت برسانند؟ اگر لغو تحریم‌ها است یک «دستاورد جناحی» می‌دانند که تکلیف روشن است؛ کافی است جریان منتقد دولت در مجلس و سایر نهادها از هم‌اکنون با تحریف تجربه برجام، تخطئه تیم مذاکره‌کننده، مانع‌تراشی، فضا سازی علیه دولت و وزیر خارجه و تحریک طرف مقابل آتقد رآب به آسیاب لابی‌ها و جریان‌های ایران‌ستیز و ضد برجام در واشنگتن بریزند تا لغو تحریم‌ها در دوران زمامداری روحانی عملاً منتفی شود؛ آنگاه احیاناً سال آینده، پس از کسب کرسی ریاست جمهوری و افزودن ده‌ها میلیارد دلار به زیان کشور، خود به تلاش برای لغو تحریم‌ها – که البته در آن زمان گرایش به مراتب از الان کورت شده است – مبادرت ورزند؛ یعنی، منافع ملی را فدای منافع جناحی و سیاست خارجه را قربان گان سیاست داخلی قرار دهند! اما اگر تحریم‌ها را «جنایت» بزرگ و لغو آنها را حق مسلم ایران، حق مسلم مردم و یک «پروژه ملی» می‌دانند (که هست)، لازم است از هم‌اکنون به دولت روحانی و دستگاه دیپلماسی کمک کنند تا در اسرع وقت برای بازگرداندن دولت امریکا به اجرای برجام، عادی‌سازی روابط با اقتدار و فراع خاطر در صحنه بین‌المللی گام بردارد. در عبارت دیگر، اگر بنا بر این شد که لغو تحریم‌ها به مثابه یک «پروژه ملی» تعریف شود، در تمام لازم این است که تمامی نهادها و سیاستمداران کشور – در هم‌افزایی و هماهنگی با دولت و دستگاه دیپلماسی – ر راستای این هدف مشترک نقش آفرینی و مشارکت نمایند. طبیعتاً مشارکت و هم‌افزایی آنها در این فرآیند، نه تنها به بهبود وضعیت مردم کمک خواهد کرد، نه تنها به رفق مؤثر موانع تجاری و مالی و اقتصادی سرعت خواهد بخشید، نه تنها سایه شک و سگین جنگ روانی علیه مردم و بازار و محیط کسب‌وکار را شک خواهد کرد، نه تنها در فرآیند پایه‌گذاری یک اقتصاد مقاومتی و مصون از تحریم دولت و دستگاه سیاست خارجه نصیب خود آنها نیز خواهد شد! افکار عمومی هم قطعاً از چنین رویکرد «ملی» و مسئولانه‌ای در بزنگاه‌های لازم استقبال خواهد کرد.